



وزارت آموزش و پرورش  
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی  
معاونت فناوری ارتباطات و اطلاعات آموزشی  
دفتر توسعه فناوری اطلاعات آموزشی



انسان بر بام ملکوت ۲

پژوهشی پیرامون ویژگی‌های انسان آرمانی به روایت مولانا جلال‌الدین محمد

## به قلم دکتر کیومرث فلاحتی عضو هیات علمی پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش

اشاره: در بخش اول با نگاه مولوی به انسان آشنا شدید و تفاوت دیدگاه او با سایرین را احساس کردید. در این بخش با انسان‌های الگو از مولوی همراه خواهید شد.

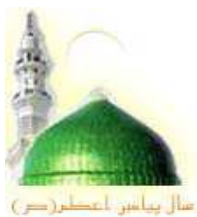
### انسان در مثنوی

انسان مثنوی، آمیزه‌ای از دو خوی و سرشت نیک و بد، زیبا و زشت، ملکوتی و اهریمنی است، مولوی در این تعریف گوش به روایت نبوی می‌سپارد:

در حدیث آمد که یزدان مجید  
خلق عالم را سه گونه آفرید  
او فرشته است و نداند جز سجود  
یک گروه دیگر از دانش تهی  
همچو حیوان از علف در فریبهی  
این سوم شد آدمی زاده بشر  
نیمیش از فرشته و نیمی ز خر  
نیم خر خود مایل سفلی بود  
نیم دیگر مایل عقلی شود

انسان با وجود این خوی دوگانه، دنیایی از رمز و راز است، کائنات در برابرش کوچک و حقیرند و شایسته است تا «عالم اکبر» نامیده شود:

گر، به صورت عالم اصغر تویی  
دان، به معنی، عالم اکبر تویی



وزارت آموزش و پرورش  
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی  
معاونت فناوری ارتباطات و اطلاعات آموزشی  
دفتر توسعه فناوری اطلاعات آموزشی



پژوهشی پیرامون ویژگی‌های انسان آرمانی به روایت مولانا جلال‌الدین محمد

انسان بر بام ملکوت ۲

و به جایگاهی دست می‌یابد که آیه‌ی خدایی و آینه‌ی صفات الهی می‌شود:

آدم اسطرلاب اوصاف علوست  
وصف انسان مظهر آیات اوست  
هرچه دروی می‌نماید، عکس اوست  
همچو عکس ماه اندر آب جوست  
خلق را چون آب دان صاف و زلال  
و اندر و تابان صفات ذوالجلال  
علم شان و عدلشان و لطیفشان  
چون ستاره چرخ اندر آب دان

او می‌داند؛ برای آیه و آینه‌ی حق شدن، می‌باید راه دشوار کمال را پله پله پیش گیرد، تا به بام ملکوت رسد و نردبانی را ببیند که فاصله‌ای دارد از حضيض تا اوج. هرگاه، این عروج و صعود صورت پذیرد، انسان نمونه و الگو پدید می‌آید، که مقصد هستی و جوهر جهانش نامیده‌اند:

جوهر است انسان و چرخ، او را عرض  
جمله فرع و پایه‌اند و او غرض

این جوهر، روح جهان است و همه‌ی دنیای ظاهری، پرتوی از اعراض اوست:

جوهر آن باشد که قائم با خود است  
و آن غرض باشد که فرع او شد است.

اما جان معنی اینجاست که این صعود و سیر ملکوتی، اختیاری است و مرد عمل و انسان کامل آن را آزادانه گزینش می‌کند، بند می‌گشاید و به دلخواه تجربه می‌نماید:

اختیاری هست ما را در جهان





وزارت آموزش و پرورش  
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی  
معاونت فناوری ارتباطات و اطلاعات آموزشی  
دفتر توسعه فناوری اطلاعات آموزشی



انسان بر بام ملکوت ۲

پژوهشی پیرامون ویژگی‌های انسان آرمانی به روایت مولانا جلال‌الدین محمد

## گر ندیدی دیورا خود را ببین

و چه بسا بلا، بیماری و آفت، که ما بیدادشان می‌دانیم، خیری نهفته در جامه‌ی شر باشند. انسان عاشق آرمانی، این نکته را به خوبی در می‌یابد که این، آزمایش اوست، چرا که عاشق هر چه مخلص‌تر، پر دردتر و راه‌رو هر چه آماده‌تر، راه پرسنگلاخ‌تر، زیرا:

مخلصان باشند دایم در خطر

امتحان‌ها هست در راه ای پسر

او این آزمایش را به جان می‌خرد و در راه مقصود، چون امام حسین (ع)، سر می‌دهد، مانند حضرت ابراهیم (ع)، پای در آتش می‌نهد و حلاج وار طالب دار می‌شود که:

عاشقم بر مهر و بر قهرش به جد

ای عجب من عاشق این هر دو ضد

عاشقم بر رنج خویش و درد خویش

بهر خشنودی شاه فرد خویش

انسان کامل و مخلص میانه رو است، سلطه بر خود دارد، حاکم و شاه وجود خویش است. اما آیا چنین انسانی یافت شدنی است؟

وقت خشم و وقت شهوت مرد کو؟

طالب مردی چنینم کو بگو

آری، گرچه «کم یافت» است، ولی «یافت نشدنی» نیست و در بین همین مردم، نمونه‌ها و مصداق‌های بسیار دارد، شاید راز این آیه که خداوند به پیامبر (ص) فرمود:

«بگو من هم بشری مثل شمایم» همین باشد.

انسان آرمانی، خیالی و رویایی نیست. به واقع وجود دارد و وجود هم داشته است. بدین سبب مولانا از حضرت علی (ع) سخن می‌گوید:

از علی آموز اخلاص عمل



وزارت آموزش و پرورش  
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی  
معاونت فناوری ارتباطات و اطلاعات آموزشی  
دفتر توسعه فناوری اطلاعات آموزشی



انسان بر بام ملکوت ۲

پژوهشی پیرامون ویژگی‌های انسان آرمانی به روایت مولانا جلال‌الدین محمد

### شیر حق را دان منزه از دغل

و برای این که موضوع را روشن تر کند، داستان امیر مومنان با «عمرو بن عبدود» را مثال می‌زند، وقتی که حضرت علی (ع) بر پهلوان عرب پیروز می‌شود، آن پهلوان «خدو» بر صورت ایشان می‌اندازد، حضرت از کشتن وی صرف نظر می‌کند و مدتی بعد، او را می‌کشد. مولانا از قول «عمرو» می‌پرسد:

یا علی که افتخار دیده‌ای

شماه‌ای واگواز آنچه دیده‌ای

و پاسخ مولای مومنان چنین است:

گفت: من تیغ از پی حق می‌زنم

بنده حقم، نه مامور تنم

شیر حقم، نیستم شیر هوی

فعل من بردین من باشد گواه

### اندیشمندی انسان

آنچه ماهیت انسان مثنوی را شکل می‌دهد، اندیشمندی اوست:

ای برادر، تو همه اندیشه‌ای

مابقی خود استخوان و ریشه‌ای

ور بود اندیشه‌ات گل، گلشنی

ور بود خاری، تو همه گلخنی

آسمان‌ها و زمین مقهور آرمان‌های والای این انسانند و کالبد، تنها، ابزاری است که در خدمت روان و اندیشه وی قرار می‌گیرد. انسان اندیشمند و مرد آرمانی مولانا، لاجرم در پی دانش و پژوهش است و گریزان از تقلید و پیروی کورکورانه:



وزارت آموزش و پرورش  
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی  
معاونت فناوری ارتباطات و اطلاعات آموزشی  
دفتر توسعه فناوری اطلاعات آموزشی



پژوهشی پیرامون ویژگی‌های انسان آرمانی به روایت مولانا جلال‌الدین محمد

انسان بر بام ملکوت ۲

صد هزاران ز اهل تقلید و نشان  
افکندشان نیم همی در گمان  
علم تقلیدی بود بهر فروخت  
چونکه آمد مشتری خوش بر فروخت  
مشتری علم تحقیقی، حق است دائما بازار او پر رونق است.

توجیه و عذر نادان نمی‌تواند نپذیرفته شود. چرا که:

عذر احمق بدتر از جرمش بود  
عذر نادان زهر هر دانش بود  
گفت پیغمبر که احمق هر که هست  
او عدوی ما و غول و رهنز است

و بدین سان «مولانا» رنج نادانی را بالاتر از هر بلا و مصیبتی می‌شمرد:

گفت، رنج احمقی قهر خداست  
رنج کوری، نیست قهر، آن ابتلاست

پس در «آرمان شهر» مثنوی، هیچ کاری نمی‌بایست بدون پشتوانه‌ی دانش انجام گیرد و نادانان را نباید در آن جا سروری داد، چرا که ریاست و منصب جاهلان، جامعه را به هلاکت خواهد کشاند:

آنچه منصب می‌کند با جاهلان  
از فضیحت کی کند صد ارسلان  
عیب او مخفی است چون آلت بیافت  
مارش از سوراخ بر صحرا شتافت





وزارت آموزش و پرورش  
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی  
معاونت فناوری ارتباطات و اطلاعات آموزشی  
دفتر توسعه فناوری اطلاعات آموزشی



انسان بر بام ملکوت ۲

پژوهشی پیرامون ویژگی‌های انسان آرمانی به روایت مولانا جلال‌الدین محمد

نزد یزدان دین و احسان نیست خرد

این تاکید به حدی است که محبت دشمنان را نیز در بر می‌گیرد:

ور عدو باشد هم این احسان نکوست

که به احسان بس عدو گشتست دوست

ور نگردد دوست، کینش کم شود

زان که احسان کینه را مرهم شود

و بدین سان است که «محبت» هم به عنوان یکی از رکن‌های اصلی اندیشه‌ی مولانا، هم ردیف عشق و دانش جای می‌گیرد، از محبت است که تلخ‌ها شیرین، مس‌ها زرین، نیش‌نوش، دیو حوری و نار نور می‌گردد. اما این محبت نیز نتیجه آن دانش و اندیشه والاست:

این محبت هم نتیجه‌دانش است

کی گزافه بر چنین تختی نشست

چنان که گفته آمد، انسان آرمانی، آزاد است. پس خواهان داد است. و گریزان از بیداد. بنابراین، عدل و ظلم را می‌شناسد و برایش تعریفی معین دارد.

گر ضعیفی در زمین خواهد امان

غلغل افتد در سپاه آسمان

چون بگرید، آسمان گریان شود

چون بنالد، چرخ یا رب خوان شود

ظلم چه بود، و ضعیف در ناموضعی

که نباشد جز بلا را منبعی

عدل چه بود، وضع اندر موضعی





وزارت آموزش و پرورش  
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی  
معاونت فناوری ارتباطات و اطلاعات آموزشی  
دفتر توسعه فناوری اطلاعات آموزشی



پژوهشی پیرامون ویژگی‌های انسان آرمانی به روایت مولانا جلال‌الدین محمد

انسان بر بام ملکوت ۲

کشتن این، کار عقل و هوش نیست  
شیر باطن سخره‌ی خرگوش نیست  
دوزخ است این نفس و دوزخ ادهاست  
کوبه دریاها نگردد کم و کاست  
سهل شیری دان که صفاها بشکند  
شیر آن است آن که خود را بشکند

می‌توان با پیروی از دستور حق، نیروی این صف شکنی رایافت و دشمن درونی راسرکوب کرد. و تابع شرع و امر یزدانی شد و طی طریق کرد و راه را به انجام رساند. این گونه می‌بایست چنگ به ریسمان الهی زد:

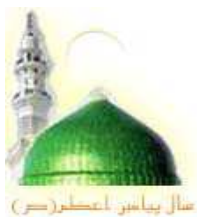
دست، کورانہ بحبل اللہ مزین  
حز بامر ونهی یزدانی متن  
چیست حبل اللہ، رها کردن هوا  
کاین هوا شد صرصری مرعاد را

به یاد بیاوریم که این سرپیچی از فرمان آفریدگار بود که قوم عاد را به ذلت کشاند و بروز بلایا، نتیجه‌ی این سر بر تافتن هاست:

ابر ناید از پی منع زکات  
وز زنا افتد و با اندر جهات

و به همین نسبت سر نهادن در پی امر پروردگار نیز راه کمال و سلامتی را به دنبال دارد و مایه عروج و بار یافتن به درگاه رب است. بخشش و سخا و ایثار و التفات، راههای همین مقصدند و از پله‌های آن نردبان ملکوتی‌اند و حضرت مولانا، این موارد را به سادگی هرچه تمام‌تر، اما با ژرف نگری و تیز بینی هرچه کامل‌تر، بیان فرموده است:

مال در ایثار اگر گردد تلف  
در درون صد زندگی آرد خلف



وزارت آموزش و پرورش  
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی  
معاونت فناوری ارتباطات و اطلاعات آموزشی  
دفتر توسعه فناوری اطلاعات آموزشی



پژوهشی پیرامون ویژگی‌های انسان آرمانی به روایت مولانا جلال‌الدین محمد

انسان بر بام ملکوت ۲

ولی «مرد خدا» باید پیوسته نگران این باشد که نیکویی‌هایش به بلای ریا دچار و آمیخته نگردد که خود «چاه ویلی» است:

در حدیث آمد که تسبیح ریا  
همچو سبزه گلخنی دان، ای کیا

برای جستن از این راه بلا و پیمودن این راه پر خطر، جهد و کوششی لازم است که هر که توفیقش را بیابد ثمری شیرین و گوارا خواهد یافت.

جهد کن تا می‌توانی، ای کیا  
در طریق انبیاء و اولیاء  
ای خنک آن کو جهادی می‌کند  
بر بدی زجری دادی می‌کند.

هر چند نفس شیطانی و بعد حیوانی، انسان را ترغیب می‌کند تا بر خلاف آرمان‌هایش گام زند و به بیراه رود، اما از آن جایی که سرشت پاک انسانی پیش از آن که اسیر رنگ‌ها شود عاری از رنگ و بوی نفسانی بوده است، در صورت لغزش خطا نیز می‌تواند دوباره خود را نمایان سازد. این «من» واقعی همه انسان‌هاست زیرا:

چون که بیرنگی اسیر رنگ شد  
موسی با موسی در جنگ شد  
چون به بیرنگی رسی کانداشتی  
موسی و فرعون دارند آشتی

تواضع و فروتنی و حرمت و ادب نیز از توشه‌های این سفر معنوی است:

چیست تعظیم خدا افراشتن  
خویشتن را خوار و خاکی داشتن



وزارت آموزش و پرورش  
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی  
معاونت فناوری ارتباطات و اطلاعات آموزشی  
دفتر توسعه فناوری اطلاعات آموزشی



پژوهشی پیرامون ویژگی‌های انسان آرمانی به روایت مولانا جلال‌الدین محمد

انسان بر بام ملکوت ۲

هر که آرد حرمت، او حرمت برد  
هر که آرد قند لوزینه خورد  
بی ادب محروم ماند از لطف رب  
از خدا جوئیم توفیق ادب

این اشارت‌ها تنها شمه‌ای از آسمان و قطره‌ای از دریای بیکران «مولانا»ی ماست که مثنوی را پایانی نیست، اما به این بسنده کنیم که آغاز این سفر روحانی، بازگشت به خود، برای برگشت به خداوند است و باید با دلی پر امید، قدم در راه نهاد که:

انبیاء گفتند؛ نو میدی بد است  
فضل و رحمت‌های یا رب بی حد است  
گر سیه کردی تو نامه عمر خویش  
توبه کن زان‌ها که کردستی تو پیش  
گفت حق گر فاسقی و اهل صنم  
چون مرا خواندی، اجابت‌ها کنم

پس باید؛ هم زبان با «مولانا» شد و از «یکتا یزدان پاک» خواست تا خود راه را نماید:

این قدر گفتیم لیک اندر بسیج  
بی عنایات تو ما هیچیم هیچ  
ای خدای پاک بی انباز و یار  
دست گیر و جرم ما را در گذار  
یاد ده ما را سخن‌های دقیق  
که به رحم آرد ترا ای رفیق  
ای دعا از تو، اجابت هم ز تو



وزارت آموزش و پرورش  
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی  
معاونت فناوری ارتباطات و اطلاعات آموزشی  
دفتر توسعه فناوری اطلاعات آموزشی



پژوهشی پیرامون ویژگی‌های انسان آرمانی به روایت مولانا جلال‌الدین محمد

انسان بر بام ملکوت ۲

ایمنی از تو، مهابت هم ز تو  
گر خطا گفتیم اصلاحش تو کن  
مصلحتی هم، ای تو سلطان سخن  
کیمیا داری که تبدیلش کنی  
گرچه جوی خون بود نیلش کنی  
این چنین میناگری‌ها، کارتوست  
این چنین اکسیرها، ز اسرار توست

و حکایت همچنان باقی است...